

شناسایی مؤلفه‌های بهینه‌گی نهادهای تأمین‌کننده خدمات مالی

در ناحیه روستایی جنگلی - کوهستانی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل*

حمیدجلالیان**؛ دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
فرامرزی بریمانی؛ دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
وحید ریاحی؛ دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
مرتضی مهرعلی تبار فیروزجایی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: 1395/4/23

تاریخ دریافت: 1394/8/11

چکیده

یکی از مهم‌ترین ابزار برون‌رفت از فقر، تأمین خدمات مالی مورد نیاز روستاییان است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، ارائه خدمات مالی در نواحی روستایی با کمبود شدید سرمایه همراه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها 5 درصد از کشاورزان در نواحی روستایی آفریقا و حدود 15 درصد در آسیا و آمریکای لاتین به اعتبارات مالی رسمی کشورشان دسترسی دارند. پژوهش حاضر، با هدف شناسایی مؤلفه‌های بهینه‌گی نهادهای تأمین‌کننده خدمات مالی، این مسئله را به طور موردی در ناحیه جنگلی - کوهستانی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل مورد بررسی قرار داده است. رویکرد این پژوهش، کیفی و راهبرد آن تحلیل محتوا است. داده‌های لازم، با مشارکت 25 نفر از روستاییان و با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مستقیم گرآوری شده است. شیوه نمونه‌گیری، به روش هدفمند با حد اشباع نظری و شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرائی بوده است. داده‌های تحقیق شامل متن مصاحبه‌ها، به واحدهای معنی تقسیم و سپس با فشرده‌سازی خلاصه شده و در نهایت، با شیوه استقرائی طبقات فرعی استخراج و مضمون‌های اصلی از آن انتزاع شده است. یافته‌های نهایی شامل شش مضمون اصلی قابلیت انعطاف‌پذیری، قابلیت دسترسی، قابلیت فهم و سادگی، قابلیت اعتماد، قابلیت ارائه در تمام ابعاد خدمات مالی و قابلیت پوشش گسترده است که هر کدام به طبقات فرعی تر تقسیم می‌گردد. نتیجه این که، برای نهادسازی‌های مالی روستایی باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص همان نواحی، بر قابلیت‌های نهادی مذکور تأکید کرد. همچنین، در بررسی این گونه مسائل، اتخاذ رویکرد کیفی و بررسی آن در بستر وقوع، می‌تواند رویکرد مناسبی باشد.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، فقر روستایی، تأمین مالی روستایی، تحلیل محتوای کیفی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای مرتضی مهرعلی تبار فیروزجایی در دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی است.

** hamidjalalian@khu.ac.ir

1) مقدمه

با بررسی تعاریف و اهداف متعدد برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه این نکته کاملاً آشکار است که هر یک از این تعاریف به نوعی کاهش فقر و مبارزه با آن را نشانه رفته است، چراکه در جهان فعلی نیمی از جمعیت، یعنی حدود سه میلیارد نفر درآمد روزانه‌شان کمتر از دو دلار است که اکثریت آن‌ها در مناطق روستایی ساکن هستند (نوری نائینی، 1388: 4). در این زمینه، می‌توان به تعریف بانک جهانی اشاره کرد که توسعه روستایی را راهبردی تعریف نموده که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم، به ویژه روستاییان فقیر طراحی و اجرا می‌شود. این فرآیند شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشار است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند، این گروه شامل کشاورزان خرده‌پا، خوش‌نشینان و کشاورزان بی‌زمین هستند (تودارو، 1364: 68). همچنین البرت واترسون توسعه روستایی را فعالیت‌هایی مرکب از بخش‌های متعددی می‌داند که مهم‌ترین آن‌ها حصول عواید اقتصادی و رفاه اجتماعی برای افراد روستایی، بخصوص فقیران روستایی است (جعفری‌نژاد و همکاران، 1389: 9). از این رو، می‌توان گفت توسعه روستایی به عنوان یک استراتژی، برای اصلاح و بهبود وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی یک گروه ویژه روستایی یعنی فقرا و مستمندان در مناطق روستایی طراحی می‌شود.

از سویی، کارشناسان توسعه روستایی معتقدند که یکی از مهم‌ترین ابزار برون‌رفت از فقر، تأمین خدمات مالی مورد نیاز روستاییان است (یارون و دیگران، 1381؛ داوان، 1390؛ معظمی، 1377؛ Lalitha and Nagarajan, 2002; Karmakar, 1999; Sivachithappa, 2013). علی‌رغم اهمیت این موضوع، ارائه خدمات مالی مورد نیاز روستاییان در نواحی روستایی، به خصوص نواحی روستایی دور مثل سایر زمینه‌های خدمات (بهداشت، آموزش و مخابرات) همراه با ضعف و کمبود شدید همراه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ارائه خدمات بانکی در کشورهای جهان سوم کمتر از 20 درصد از جمعیت را در بر می‌گیرد (Robinson, 2001 و Oluyombo, 2012) و بقیه جمعیت این کشورها به منابع اعتبار رسمی دسترسی ندارند و به خصوص خانوارهای کم‌درآمد در همه بخش‌های جهان در طول تاریخ به منابع اعتباری رسمی دسترسی نداشته‌اند (Oluyombo, 2012: 1). طبق برآورد براورمن¹ و گواچ²، تنها 5 درصد از کشاورزان خرده‌پا در نواحی روستایی در آفریقا و حدود 15 درصد در آسیا و آمریکای لاتین به اعتبارات مالی رسمی کشورشان دسترسی دارند. همچنین مطالعات آنان نشان داده است که 5 درصد از استفاده‌کنندگان اعتبارات بانکی، 80 درصد از منابع اعتباری را به خود اختصاص می‌دهند (Oluyombo, 2012: 2).

¹ Braverman

² Guasch

بنا به اظهار روسنبرگ¹، 90 درصد از روستاییان در کشورهای در حال توسعه، خواه در زمینه دریافت اعتبار و خواه در زمینه پس‌انداز به خدمات مالی ارائه شدهٔ نهادهای مالی رسمی کشورشان دسترسی ندارند و این 90 درصد جز منابع مالی غیررسمی، منابع دیگری نمی‌یابند (Rosenberg, 1994). در ایران می‌توان ریشه اصلی مشکل تأمین مالی روستایی را از زمان اصلاحات ارضی پیگیری نمود، چراکه با فروپاشی نظام سنتی ارباب - رعیتی سه تحول عمده در ارتباط با تأمین مالی روستایی به وجود آمده است: اول، با اجرای اصلاحات ارضی، ارباب که پشتوانه تأمین مالی روستاییان بوده است و روستاییان در مواقع نیاز، برای دریافت اعتبار به ارباب مراجعه داشته‌اند، از نظام روستایی و کشاورزی حذف شد؛ دوم، با اجرای اصلاحات ارضی، نظام کشاورزی خرده‌پا شکل گرفت که با استقلال روستاییان همراه بوده است و این امر موجب گردید تا نیاز به تکیه‌گاه مالی بیش از پیش احساس گردد؛ و سوم، با فروپاشی نظام ارباب - رعیتی، شبکه روابط چه در شکل عمودی و چه در شکل افقی فروپاشیده شده است؛ در حالی که در گذشته روستاییان به واسطهٔ شبکهٔ روابط درونی، بخشی از نیازهای اعتباری خود را برطرف می‌نموده‌اند. بعد از اصلاحات ارضی در جهت تأمین مالی روستایی اقداماتی در زمینه ایجاد نهادهای مالی همچون تعاونی‌های اعتبار، بانک کشاورزی و صندوق‌های قرض‌الحسنه انجام گرفته است که در جهت ارتقاء معیشت فقرا موفق نبوده است. اتخاذ روش شهری‌گرایانه در رفتار نظام مؤسسات مالی، استفاده از یارانه‌های دولتی، بهره‌گیری متنفذین و ثروتمندان روستایی از اعتبارات تخصیص یافته، عدم توجه به خدمات اجتماعی در راستای افزایش کارایی اعتبارات داده شده، عدم اعتقاد به قدرت پس‌انداز روستاییان، عدم توان ارائه وثیقه از سوی روستاییان فقیر، فاصله زیاد مؤسسات مالی تا محل زندگی روستاییان، شبههٔ شرعی در بین روستاییان و زمان‌بندی نامناسب پرداخت وام از جمله مواردی است که در نظام مالی روستایی ایران و منطقه مورد مطالعه قابل ذکر است (رحیمی، 1385؛ حسن‌زاده، 1382 و قویدل، 1384).

محدودهٔ مطالعه پژوهش حاضر، یک ناحیه جنگلی - کواستانی با روستاهای عمدتاً کوچک و پراکنده است که در پیوستار شهری - روستایی جزء نواحی روستایی دور² است. در واقع این نواحی به خاطر قرار گرفتن در انزوای جغرافیایی، رشدنیافتگی بازار، عدم توسعه صنعتی، پراکندگی روستاها، تراکم پایین جمعیت و دسترسی (Shah, 2007: 1) در زمینه خدمات‌رسانی (از جمله خدمات مالی) با کمبودهایی اساسی همراه هستند. مطالعات اولیه محققان در این ناحیه نشان داده است که در بازارهای مالی روستایی³ جنگلی - کواستانی بخش بندی شرقی شهرستان بابل برای تأمین مالی خرد مورد نیاز روستاییان، تنها

¹ Resenberg

² remote rural areas

³ Rural Financial Markets (RFMS)

نهادهای رسمی¹ - دولتی و نیمه‌دولتی (بانک کشاورزی، تعاونی‌های اعتباری و کمیته امداد) به عنوان مؤسسات مالی روستایی فعال نبوده است، بلکه علاوه بر نهادهای رسمی، نهادهای مالی غیررسمی انتفاعی² (سودجویانه مثل پیش خریداران محصولات دامی و زراعی، رباخوران، سکوه‌های خرید شیر و نسبه‌خری) و غیررسمی غیرانتفاعی³ (غیرسودجویانه مثل سازمان‌های مالی اجتماع‌محور به شکل‌های صندوق‌های اعتبار و پس‌اندازهای چرخشی⁴ و ذخیره‌ای⁵) نیز در سطح منطقه در بازارهای مالی نقش - آفرینی دارد که گاهی دارای عملکرد پررنگ‌تری از نهادهای رسمی بوده است. همچنین یافته‌ها نشان داده است که تاکنون خدمات مالی دولتی و نیمه دولتی مورد استفاده 85 درصد از بهره‌برداران زراعی و دامی این محدوده بوده است.

بر اساس وضعیت یاد شده در محدوده مورد مطالعه این پرسش مطرح است که چرا علی‌رغم وجود نهادهای مالی روستایی دولتی و نیمه‌دولتی، سطح برخورداری از خدمات مالی پایین بوده است؟ و یا به عبارت دیگر، چرا نهادهای مالی موجود نتوانسته در جذب بیشتر روستاییان موفق باشد؟ از این رو، می‌شود پرسید که نهادهای مالی با داشتن چه ویژگی‌هایی می‌تواند در ارائه خدمات مالی موفق‌تر باشد؟ در این تحقیق تلاش شده است تا با هدف شناسایی مؤلفه‌های بهینه‌گی نهادهای ارائه خدمات مالی نواحی روستایی، چارچوبی در نهادسازی‌های مالی روستایی ارائه دهد تا راهگشای مدیران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی در حوزه تأمین مالی روستایی مانند بانک کشاورزی، تعاونی‌های مالی روستایی، کمیته امداد و صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی باشد.

(2) پیشینه تحقیق

تاکنون در پژوهش‌های خارجی و داخلی متعدد، به وجود نقاط ضعف بسیار در عملکرد نهادهای ارائه‌کننده خدمات مالی روستایی اشاره شده است. در تحقیقات روزنبرگ⁶ (1994)، محمود و تالا⁷ (2015) و زلر⁸ (2005) ویژگی فاصله فیزیکی مؤسسات مالی و کیفیت دسترسی به این نهادها به خصوص برای نواحی روستایی دورافتاده یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در میزان بهره‌مندی روستاییان از خدمات مالی برشمرده شده است. طالب (1372)، حسن‌زاده و قویدل (1384)، و برانن⁹ (2010)، در نتیجه‌ی تحقیقات خود، به نامناسب بودن زمان پرداخت اقساط وام برای کشاورزان اشاره کرده‌اند و همچنین به اعتقاد آنان،

¹ Formal institutions

² Profit Informal institutions

³ Non - profit Informal institutions

⁴ Rotating Saving and Credit Associations (ROSCAS)

⁵ Rotating and Accumulating Savings and Credit Associations (ASCAS)

⁶ Rosenberg

⁷ Mahmud & Tulla

⁸ Zeller

⁹ Brannen

در زمان بندی پرداخت و دریافت وام، نهادهای تأمین کننده خدمات مالی روستایی باید به شرایط کار کشاورزی و دخل و خرج روستاییان دقت داشته باشد. بنا به نتیجه‌ی مطالعات آقابابایی (1387)، حسن-زاده و قویدل (1384)، رحیمی (1380)، و وان پیش¹ (1991) وابستگی مؤسسات مالی روستایی به یارانه-های دولتی، مانعی اساسی برای خدمات‌رسانی نهادهای مالی به نواحی روستایی است. از این رو، وابسته نبودن مؤسسات مالی روستایی به منابع خارجی دارای اهمیت بسزایی است.

نتایج پژوهش‌های سازمان بهره‌وری آسیا² (1998)، روگالی³ (1997)، نگارجان⁴ (2001) و یارون (1381)، نشان داده است که در دسترس بودن منابع اعتباری در مواقع شوک‌های طبیعی و انسانی از جمله ویژگی‌های یک نهاد مالی روستایی کارآ است و از مشخصه‌های مطلوب نهادهای تأمین مالی روستایی، حمایت به موقع و سریع روستاییان در مواقع شوک‌های طبیعی و انسانی است. متناسب بودن فرآیند انجام کار نهادهای تأمین کننده خدمات مالی روستاییان با سطح سواد و تجربه روستاییان، با توجه به سطح سواد پایین برخی از مناطق کشورهای توسعه نیافته مسئله‌ای است که زلر (2013)، وان پیش (1991) و کاسرجیان⁵ (2011) در مطالعات خود در ارتباط با بهره‌مندی کارآمد روستاییان از خدمات مالی، بدان اشاره داشته‌اند.

نتایج پژوهش‌های طالب (1372) و یارون و همکاران (1381) مؤید این واقعیت بوده است که با توجه شرایط روستاییان، حل مشکل وثیقه از جمله مواردی است که نهادهای مالی روستایی را کارآمدتر نموده و باید تدابیری اندیشیده شود تا به موجب آن روستاییان از خدمات مالی محروم نمانند. در مطالعات یارون (1381)، جانسون و روگالی (1383)، و شریف‌زاده و شریفی (1386)، فرآیند اداری طولانی و غیرقابل درک نهادهای مالی برای روستاییان، به عنوان یک عامل منفی در عملکرد مطلوب و موفق نهادهای مالی برشمرده شده است.

در برخی از پژوهش‌ها، بومی بودن و درک شرایط روانی و خلقی ذی‌نفعان خدمات مالی، از جمله‌ی قابلیت‌های نهادهای تأمین کننده خدمات مالی روستایی دانسته شده است تا با توجه به الگوهای رفتاری و سبک ارتباطی خاص آن‌ها عمل شود و بین روستاییان و مشتریان شهری از لحاظ نوع و سبک رفتار، پیرامون خدمات‌دهی مالی تفاوت دیده شود (Sengupta and Aubuchon, 2008). همچنین، یارون (1383) و ام. ال. داوان (1393) در مطالعات خود نشان داده‌اند که چگونگی تعامل روستاییان با نهادهای مالی به خصوص برای برخی از مناطق روستایی مثل نواحی کواستانی- جنگلی مسئله‌ای حائز اهمیت است که همواره در نهادسازی مالی روستایی باید بدان توجه داشت.

¹ Von pischke

² A.P.O.

³ Rogaly

⁴ Nagarajan

⁵ Kasarjyan

به اعتقاد معظمی (1377)، حسن‌زاده (1382)، روگالی (1996)، شارما¹ (2001) و روزنزویگ و وولپین² (1993)، مسائل شرعی یکی از موارد دارای اهمیت در کارآیی نهادهای تأمین مالی روستایی است. زلز (2003)، وان‌بستلیر (2000) و وان‌پیش (1991) در مطالعات خود به عامل بدگمانی‌های ذی-نفعان روستایی در زمینه اجرای تعهدات، به ویژه در زمینه بیمه تأکید داشته‌اند.

نجفی و قربانی (1380)، جوانمردی (1384)، بلالی و وحدت مودب (1393) و روبینسون³ (2001) در نتیجه‌ی مطالعات خود آورده‌اند که روستاییان [هرچند کم] قادر به پس‌انداز بوده اما به طور جدی خواستار جذب این پس‌اندازها از سوی نهادهای مالی نیز هستند. جوانمردی (1384)، طیبی و نجفی (1390) و هولم⁴ (2000) معتقدند که که ارائه بیمه کارآمد در زمینه محصولات و دارایی‌های زارعان و دامداران مقوله‌ای است که باید در نهادسازی و بهینه‌گی مؤسسات مالی روستایی در نظر گرفته شود. همچنین ام. ال. داوان (1393)، و میرزا ابراهیم تهرانی و فاطمه (1384) و شریف‌زاده و شریفی (1386) نیز بر این نکته اذعان داشته‌اند که نهاد مالی روستایی کارآمد، نهادی است که با مدیریت خلاق و گریزان از روزمره‌گی می‌کوشد در سایه همجواری با روستاییان خدمات مالی را به همراه خدمات اجتماعی مورد نیاز (مثل آموزش) آنها ارائه دهد.

راثینام و ناچیمو⁵ (2010)، کارانی بی⁶ (2007) و رحمانی و همکاران (1389) در مطالعات خود با رویکرد جنسیتی به خدمات مالی در روستاها، یکی از مؤلفه‌های بهینه‌گی مؤسسات مالی روستایی را در نظر داشتن زنان روستایی برشمرده‌اند. مطالعات افرادی همچون بختیاری (1389)، متوسلی و آقابابایی (1387) و سانگوپتا و آبوچان⁷ (2008) نشان داده است که نهادهای مالی باید خصیصه‌های اجتماعی روستاییان نظیر سواد را در نظر داشته و نظامی طراحی گردد که برای ذی‌نفعان روستایی قابل فهم باشد. در نهایت نیز یافته‌های تحقیقاتی روبینسون (2001)، وان‌پیش (199)، ام. ال. داوان (1393) و جوانمردی (1384) خاطر نشان می‌سازد که در نهادسازی مالی در نواحی روستایی برای پوشش گسترده خدمات بگیران، باید رویکرد روستایی برقرار باشد تا رویکرد صرف کشاورزی، چراکه در این صورت بسیاری از نیازمندان حذف گردیده و علاوه بر آن، باید به نیازهای مصرفی روستاییان نیز توجه داشت که به طور غیرمستقیم بر کسب‌وکار روستاییان تأثیرگذار است.

¹ Sharma² Rosenzweig and Wolpin³ Robinson⁴ Hulme⁵ Rathinam and Natchimuthu⁶ Karrani bee⁷ Sengupta and Aubuchon

3) روش تحقیق

در پژوهش حاضر، رویکرد کیفی برای بررسی موضوع انتخاب شده است. بدین منظور، 25 نفر از روستاییان ساکن روستاهای جنگلی - کواستانی بخش بندپی شرقی شهرستان به شیوه هدفمند انتخاب شده که کسب اطلاعات با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق تا حد اشباع نظری انجام شده است. برای شروع مصاحبه دو سوال کلی پرسیده شده است: اول، "چرا نتوانسته‌اید از نهاد مالی رسمی مانند بانک‌ها، تعاونی روستایی و کمیته امداد وام بگیرید یا پس انداز کنید و یا از خدمات بیمه آن‌ها برخوردار شوید؟" و دوم اینکه، "این نهادها چه ویژگی باید داشته باشند تا شما بتوانید راحت‌تر با آنها ارتباط برقرار کنید؟" در ادامه، برای روشن‌تر شدن مفهوم و عمیق‌تر شدن روند مصاحبه به طور تدریجی سوالات پیگیری کننده و اکتشافی پرسیده شده است. پس از انجام هر بار مصاحبه بلافاصله تمامی اظهارات روی کاغذ پیاده شده است. داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی (در چارچوب رهیافت استقرائی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. گفتنی است که علت اتخاذ این روش، فقدان پیشینه نظری منسجم است که محققان بدون هیچ پنداشت اولیه‌ای خود را بر امواج داده‌ها شناور نموده، تا شناخت لازم برای‌شان حاصل شود. در این حالت اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شود و نظریه هیچ جایگاهی ندارد. در این راستا، برای تحلیل داده‌ها مراحل زیر به ترتیب طی شده است:

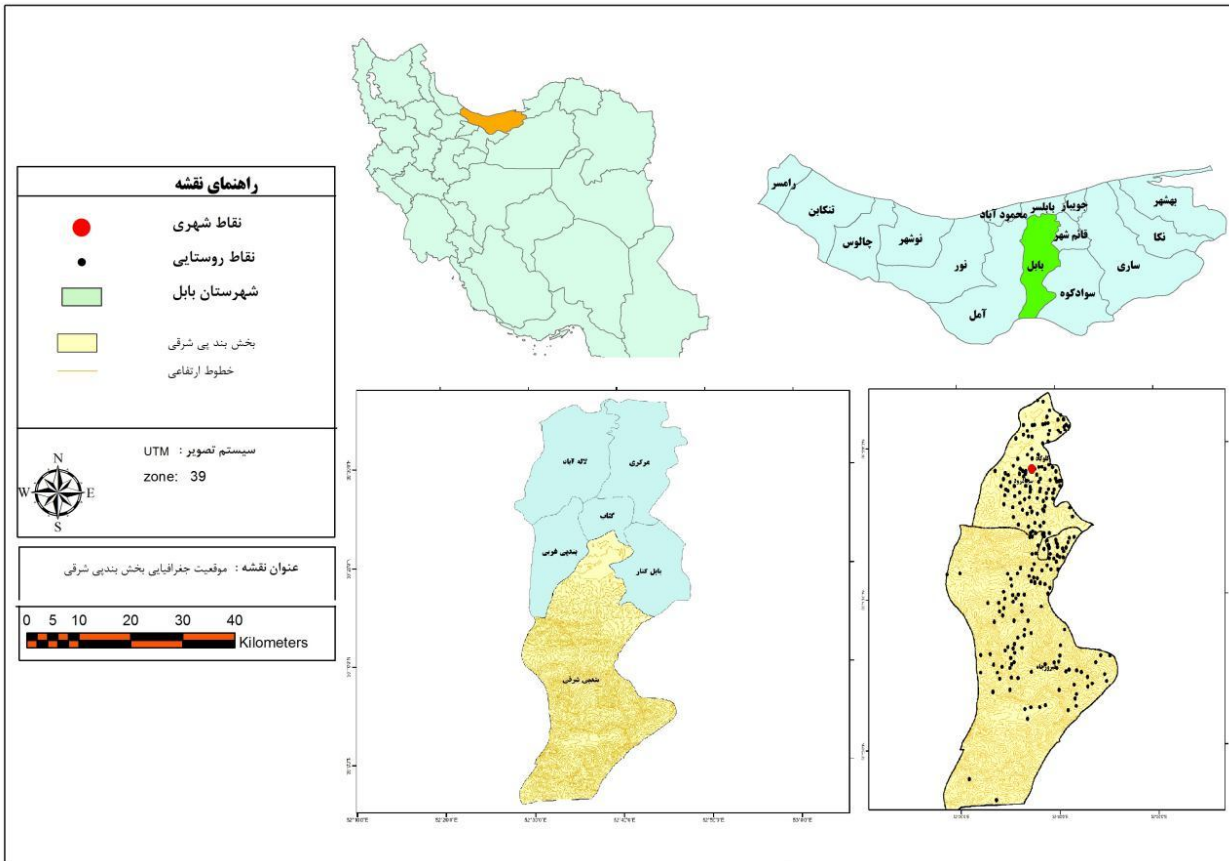
- 1) تقریر گفتگوها و شناسایی معناها: که معمولاً بعد از انجام هر مصاحبه صورت گرفته است، گفتگوهای انجام گرفته از تک تک افراد تنظیم و تدوین شده است و معناهای فشرده شده این مصاحبه‌ها استخراج گردیده است.
- 2) تقلیل‌سازی و مقوله‌بندی داده‌ها: بعد از انجام مرحله اول با مرور مکرر متون، تمامی جملاتی که هدفشان رساندن یک معنای مشترک بوده است (اما با شکل بیان متفاوت) و یا کاملاً شبیه هم بوده، بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌ها در یک دسته معنایی قرار داده شده است. همچنین در این مرحله بر روی معناها کدگذاری از نوع کدگذاری باز انجام شده است که استخراج خرده مقولات را در پی داشته و در ستون مقابل همان ماتریس ارائه گردیده است.
- 3) تقلیل خرده مقوله‌ها با هدف استخراج مقوله: پس از انتزاع¹ خرده مقوله‌ها از معناهای برداشت شده، محققان دوباره تلاش نموده تا بر اساس شباهت و تفاوت‌های موجود بین خرده مقولات، در دسته‌های کلی‌تر تحت عنوان مقوله‌ها طبقه‌بندی گردد که از این مرحله تحت عنوان کدگذاری محوری یاد می‌شود.

¹ abstraction

4) استخراج مضامین اصلی: مقوله‌های استخراج شده مرحله قبلی را با مقایسه و مرور مکرر و براساس تفاوت و شباهت‌ها با هم ترکیب گردیده و تحت یک مضمون کلی بیان شده است. از این مرحله به عنوان مرحله کدگذاری انتخابی یاد می‌شود.

به منظور افزایش اعتبار و مقبولیت داده‌ها، از تحلیل همزمان داده‌ها، مشاهده مداوم، بازنگری ناظرین و انتخاب مطلعین اصلی استفاده شده است و همچنین جهت دقت و موثق بودن یافته‌ها (پایایی) از لحاظ کردن حداکثر مشارکت‌کننده، حُسن ارتباط با مشارکت‌کنندگان، دقت در ثبت داده‌ها، استفاده از محققان و ناظران خارجی، درگیری طولانی مدت با زمینه تحقیق و داده‌های حاصل شده استفاده شده است.

محدوده جغرافیایی مورد مطالعه روستاهای جنگلی - کواستانی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل بوده است. این بخش بین 35 درجه و 54/5 دقیقه تا 36 درجه و 23/2 دقیقه عرض شمالی و همچنین بین 52 درجه و 31 دقیقه تا 52 درجه و 44/1 دقیقه طول شرقی واقع شده است (استانداری مازندران، 1389). بخش بندپی شرقی از لحاظ توپوگرافی شامل بخش‌های جلگه‌ای، جنگلی و کواستانی است. این بخش از شهرستان بابل با بخش‌های گتاب، بخش بندپی غربی، بخش بابل‌کنار، بخش لفور شهرستان سوادکوه و بخش هراز شهرستان آمل همجوار است و دارای دو داستان فیروزجاه با وسعت 443/2 کیلومتر مربع و سجادرود با مساحت 182/7 کیلومتر مربع است که در تحقیق حاضر تمامی روستاهای دارای سکنه دائمی داستان فیروزجاه و تعدادی از روستاهای داستان سجادرود؛ یعنی روستاهایی که در مناطق جنگلی واقع شده‌اند، مد نظر قرار گرفته است (شکل 1).



شکل شماره (1): موقعیت جغرافیایی بخش بندپی شرقی در شهرستان بابل

4 یافته‌های تحقیق

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر شامل 25 نفر از سرپرستان خانوار روستایی بوده که شغل آنان یا فقط دامداری و یا ترکیبی از مشاغل کارگری روزمزد، کشت محصولات زراعی، پرورش زنبور عسل و رانندگی و دامداری بوده است. از کل افراد مشارکت کننده 4 نفر بی‌سواد، 6 نفر تا پنجم ابتدایی، 7 نفر تا سوم راهنمایی و 5 نفر دیپلم و 3 نفر بالاتر از دیپلم سواد داشته‌اند. رده‌بندی این افراد در طبقات سنی نشان می‌دهد که 7 نفر از این افراد در گروه سنی تا سی سال، 7 نفر از سی تا چهل سال، 4 نفر از چهل تا پنجاه سال، 3 نفر از پنجاه تا 60 سال و 2 نفر بالاتر از 60 سال سن داشته‌اند (جدول 1).

جدول شماره (1): ویژگی‌های سنی و تحصیلی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش

تعداد					ویژگی
بالاتر از دیپلم	تا دیپلم	تا سوم راهنمایی	تا پنجم ابتدایی	بی‌سواد	رده‌های تحصیلی
3	5	7	6	4	سطح سواد
بالاتر از 60 سال	50 تا 60 سال	40 تا 50 سال	30 تا 40 سال	30 سال	رده‌های سنی
2	3	4	7	7	سن

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

با نهایی شدن فرآیند تجزیه و تحلیل استقرایی داده‌ها، تعداد 6 مضمون (درون‌مایه) اصلی از متن‌ها استخراج شده است که هر یک از این مضامین اصلی، خود به طبقات فرعی‌تر تقسیم‌بندی شده است:

4-1) قابلیت انعطاف‌پذیری

برای دستیابی به درونمایه اصلی قابلیت انعطاف‌پذیری، نیاز به مقدماتی نظیر وجود قوانین بدون انعطاف زمانی برای بازپرداخت، محدودیت در انتخاب ضامن و در نظر نگرفتن شرایط زندگی برای خرج-کرد وام‌های دریافتی است (جدول 2).

جدول شماره (2): روند استقرایی انتزاع مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها و مضمون اصلی قابلیت انعطاف‌پذیری

مضمون	مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	معناهای درک شده مشارکت کنندگان به صورت فشرده	منابع
قابلیت انعطاف‌پذیری	قوانین زمانی سخت و غیر قابل تغییر برای بازپرداخت	- پیش‌بینی نشدن حوادث آینده برای دامداری و کشاورزی و درآمد متغیر کشاورزان و دامداران - نداشتن منبع درآمدی منظم و ماهانه کشاورزان و دامداران مثل کارمندان - عدم مطابقت زمانی بازپرداخت با فروش محصولات دامی و زراعی - ترجیح دادن فروش دام و محصولات نارس به دلیل توزیع زمانی نامناسب	در صورتی محصولات دامی من فروش نرود و یا ارزان شود و بازپرداخت وام را به موقع انجام ندهم مرا جریمه کرده و آبروی من لطمه می‌خورد. شرایط شغل کشاورزی و دامداری مان به نحوی است که میزان درآمدشان قابل پیش‌بینی نیست و هر اتفاقی تا زمان دریافت پول و پرداخت وام امکان دارد بیافتد. اگر من وام بگیرم زمان بازپرداختش دقیقا می‌افتد به زمانی که هنوز زمان فروش دامم نشده و در واقع زمان بازپرداخت با زمان مناسب فروش محصولات دامی زراعی یکی نیست.	P ₁ , P ₃ , P ₄ , P ₈ , P ₉ , P ₁₀ , P ₁₄ , P ₁₉ , P ₂₂ , P ₂₃ , P ₂₄ , P ₂₅
	قوانین سخت برای دریافت وام از جهت انتخاب ضامن	- محدودیت در انتخاب افراد مد نظر نهاد مالی برای وثیقه و بازماندن از دریافت وام به دلیل شرایط وثیقه - نداشتن افراد با توان مالی مناسب برای ضامن شدن - نداشتن افراد با وجه اجتماعی بانک پسند برای ضامن شدن	با شرایطی که برای ضامن گذاشته اند خیلی کم می شود از بین ما افرادی را انتخاب کنید که بتوانند این افراد را جور کند و ارزشی ندارد این همه سختی تحمل کنم. در بین افراد فامیلم خیلی کم می‌شود فردی را پیدا کرد که شرایط ضامن بودن را داشته باشند.	P ₂₅ , P ₂₄ , P ₂₀ , P ₁₇ , P ₁₄ , P ₁₂ , P ₇ , P ₂ , P ₁
	در نظر نگرفتن شرایط زندگی برای خرج کرد وام‌های دریافتی	- اجبار در نوع خرج کرد وام داده شده و محرومیت در صورت خرج در جاهای دیگر؛ اما به نفع کشاورزی - نداشتن دید عمیق به زندگی کشاورزان و دامداران - سخت‌گیری بیش از حد با روستاییان و برخورد با آنها مثل یک تاجر و	گاهی اوقات وامی که می‌دهند فقط باید برای کار کشاورزی و دام خرج کنی، لذا اگه پیش بیاید نتوانم اونجا خرج کنم و جاهایی ضرورتاً زندگی‌ام خرج کنم مرا از خدمات محروم می‌کنند و جریمه می‌شوم. روستاییان شاید اعتبار دریافت شده را مستقیماً برای دام خرج نکنند اما در نهایت به سود کار و کاسبی تمام می شود.	P ₂₅ , P ₂₄ , P ₁₉ , P ₁₈ , P ₁₆ , P ₁₅ , P ₅

سرمایه‌گذار بزرگ در هزینه کرد اعتبارات	ما تاجر و سرمایه‌گذار بزرگ نیستیم که بخواهیم با وام گرفتن به آنها ضرر بزنیم.
--	--

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

2-4) قابلیت دسترسی (زمانی و مکانی)

قابلیت دسترسی در فرآیند تجزیه و تحلیل به مضامین فرعی‌تری شامل دوری از مراکز مالی، عدم هماهنگی زمانی با کسب و کار روستاییان، جواب‌گو نبودن همیشه‌گی به دلیل کمبود مالی و لابی‌گری، جواب‌گویی در مواقعی که برای کشاورزان اتفاق اجتماعی - اقتصادی پیش آمده، تقسیم‌بندی می‌گردد که در جدول 3 نشان داده شده است.

جدول شماره (3): روند استقرایی انتزاع مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها و مضمون اصلی قابلیت دسترسی

مضمون	مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	معناهای درک شده مشارکت کنندگان به صورت فشرده	منابع
قابلیت دسترسی	دوری از مراکز مالی	- نامناسب بودن وضع جاده و مسیرهای فرعی - هزینه حمل و نقل بالا برای آمد و شد به شهر برای ارتباط با نهادهای مالی - نداشتن وسیله نقلیه و منظم نبودن برنامه زمانی حرکت وسایل نقلیه و صرف زمان زیاد	دوری مراکز مالی از محل سکونت برای بعضی از افراد و نبود وسایل نقلیه و هزینه و زمان بر بودن، انگیزه‌ی ما را برای ارتباط با این نهادها کم می‌کند. اصلاً چه نیازی است بانک کشاورزی در شهر باشد. کارکنان بانک کشاورزی اصلاً درک نمی‌کند من چندین کیلومتر راه آدمم و دوباره باید برگردم و فردا پیام خیلی سخته. حداقل یک شعبه مرکز داستان داشته باشند تا بیشتر بدرد دامداران بخورد. بعضی از روستاییان خیلی به شهر نمی‌آیند. خیلی‌ها هم که در فصل گرم برای دامداری و یا زندگی به بیلاق می‌روند فاصله بیشتر می‌شود.	P25, P23, P22, P20, P18, P17, P13, P11, P9, P7, P2, P1
	عدم هماهنگی زمانی با کسب و کار روستاییان	- هماهنگ نبودن زمان بازپس‌گیری با زمان برداشت محصول زراعی و فروش محصولات دامی - به موقع نرسیدن وام تقاضا شده و تلاش بیهوده - عدم درک صحیح از کار کشاورزی و آسیب پذیر بودن محصولات آن	زمانی وام می‌خواهیم که اوضاع کاسبی‌مان مناسب نیست و فروش محصولاتمان هم موقع‌اش نیست و هم قیمت مناسبی ندارد؛ و گرفتن اعتبار در کوتاه مدت برایمان مهم است، یعنی از لحاظ زمانی بتوانیم سریع به پول دست پیدا کنیم و بعداً سرفرصت محصولاتمان را بفروشیم. گاهی اوقات کار این بانک مثال "نوش دارو بعد مرگ سهراب" را یاد می‌آورد. آنها به همه مشتری‌شان از نظر شغلی به یک چشم نگاه می‌کنند.	P24, P21, P18, P15, P14, P9, P4
	جوابگو نبودن همیشگی به دلیل کمبود مالی و لابی‌گری	- وابسته بودن به یارانه‌های دولتی و منابع خارجی - عدم برنامه ریزی در ارائه وام و اختصاص وام به افراد با نفوذ	گاهی اوقات پیش می‌آید خودشان با کمبود مالی مواجه می‌شوند بخصوص تعاونی اعتبار دامداران می‌گویند فعلاً بودجه نداریم و ما زمان مان را از دست می‌دهیم. تعاونی در زمان خاصی وام می‌دهد و همه هجوم می‌آورند و شاید افراد مستحق‌تر وام نگیرند و افراد با واسطه به وام دست پیدا کنند.	P25, P20, P19, P17, P16, P8, P3
	جوابگو نبودن در شرایطی که برای کشاورزان	- عدم کارایی نهادهای مالی در زمان آسیب و بحران‌های وارده به روستاییان	در مواقعی پیش می‌آید اتفاق ناگهانی برایمان می‌افتد و یا محصولات دامی و زراعی ما دچار آسیب می‌شود یا سیل و آتش سوزی اتفاق می‌افتد. از اینرو نهاد مالی لازم داریم بی‌دردسر و	P24, P22, P18, P15, P13, P10

P5, P4, P3, P2,	سریع به کار ما بیاید. اگر ما بخواهیم دنبال خسارت خودم باشم بعنوان فرد ضرر کرده باید چند سال منتظر بمانم.	نداشتن خدمات خاصی برای گروه‌های آسیب دیده تشریفات خسته کننده برای افراد آسیب دیده	اتفاق اجتماعی - اقتصادی پیش آمده
-----------------	---	--	-------------------------------------

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

3-4) قابلیت فهم و سادگی

این مضمون اصلی در درون خود به طبقه‌های فرعی‌تر متناسب نبودن فرآیند انجام کار بانک با سطح سواد و تجربه روستاییان، بورکراسی طولانی و گیج‌کننده برای روستاییان، اطلاع‌رسانی دیرهنگام و گنگ برای روستاییان و در نهایت، متناسب نبودن فضای کاری بانک‌های تجاری با سطح مهارت اجتماعی روستاییان تقسیم‌بندی می‌شود. مضمون فوق در کدگذاری‌های پی‌درپی از اظهارات مشارکت‌کنندگان به دست آمده است که فرآیند آن در جدول 4 نشان داده شده است.

جدول شماره (4): روند استقرایی انتزاع مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها و مضمون اصلی قابلیت فهم و سادگی

مضمون	مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	معناهای درک شده مشارکت‌کنندگان به صورت فشرده	منابع
متناسب نبودن فرآیند انجام کار بانک با سطح سواد روستاییان	پایین بودن سطح سواد روستاییان متوجه نشدن از برنامه و روال کاری و اداری آگاه نبودن از تکنولوژی جدید	مثلاً ما از کارهای اینترنتی متوجه نمی‌شویم. آنها فکر می‌کنند همه اینترنت دارند و همه بلدند. خیلی از ماها امضاء هم نمی‌توانیم بزنیم چه بماند. من مجبورم حتی پرداخت برقم را به دیگران بدهم انجام دهند و یا از عابر بانک نمی‌توانم استفاده کنم.	P25, P24, P19, P17, P16, P14, P13, P9, P6, P5, P2, P1	
بورکراسی طولانی و گیج‌کننده برای روستاییان	فرآیند کاری پیچیده و ناکارآمد سرخوردن شدن و خسته شدن کشاورزان نامفهوم بودن و بیخود پنداشتن کاغذ بازی از سوی روستاییان	کارهای اداری و کاغذ بازی‌ها و برو بیای زیادی باید تحمل کنی تا بتوانی مبلغی را پس انداز کنی یا وام بگیری و یا بیمه بشوی. اصلاً از خیرش همه گذشتیم. اونا باید درک کنند که ما از کجا می‌آییم و چقدر باید تو راه باشیم. ما با افراد شهری فرق می‌کنیم.	P22, P21, P20, P15, P11, P8, P7	
اطلاع‌رسانی دیرهنگام و گنگ برای روستاییان	عدم آگاهی از چگونگی ارتباط با نهاد مالی عدم آگاهی از زمان مناسب برای دریافت اعتبار عدم درک از اطلاع‌رسانی انجام شده شکاف اطلاعاتی بین کشاورزان و نهادهای مالی	برای خیلی‌ها اصلاح‌رسانی درباره مسایل مالی قابل فهم و سریع نیست و مثلاً از میزان سود و مدت قسط و یا سایر قوانین؛ زمانی طولانی نیاز است تا بفهمی جریان به چه شکلی است. فقط افراد خاصی از فرصت‌های بانک می‌توانند استفاده کنند. گاهی وقت‌ها ما تا متوجه بشویم تعاونی دارد وام می‌دهد، کار از کار گذشته است.	P24, P21, P20, P14, P13, P12, P10, P9, P4, P2, P1	
متناسب نبودن فضای کاری بانک‌های تجاری با سطح مهارت اجتماعی روستاییان	پایین بودن سطح ارتباط اجتماعی روستاییان نداشتن درک متقابل از ادبیات کلامی همدیگر نامانوس بودن و احساس غریبه‌گی کردن با کارمندان	گاهی اوقات اینقدر مراحل کار دریافت وام یا پس‌انداز پیچیده و سخت است که متوجه نمی‌شوم منظورشان چیست و اصلاً پشیمان می‌شوم. بعضی وقت‌ها که به بانک می‌روم دست و پام را گم می‌کنم و نمی‌توانم منظورم را به کارمند بانک برسانم و یا از حرف‌های آن سر نمی‌آورم.	P25, P23, P19, P18, P17, P14, P13, P10, P8, P6, P5, P3, P2	

	بعضی از فامیل‌هایم اگر بانک کشاورزی بیابند اصلاً نمی‌توانند شماره بگیرند و نمی‌دانند بوجه شماره فلان یعنی چی و با روال رسمی کار بانک‌ها آشنا نیستند؟	نهادهای مالی		
--	--	--------------	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

4-4) قابلیت اعتماد

مضمون اصلی بعدی استخراج شده قابلیت اعتماد است. این مضمون خود به طبقات بدگمانی‌های اعتقادی (شبهه شرعی) نسبت به نهادهای مالی، سوء ظن نسبت به امنیت مالی و انجام تعهدات، سوء ظن نسبت به حفظ اسرار مالی از سوی نهاد مالی، عدم ضمانت به دلیل سوء ظن نسبت به نهادهای مالی، بدبینی روستاییان نسبت به نهادهای مالی به دلیل نگاه تجاری شان تقسیم‌بندی می‌شود. در مجموع، این مضمون از برآیند 5 مقوله و 10 خرده مقوله منتج شده است که در جدول 5 نمایش داده شده است.

جدول شماره (5): روند استقرایی انتزاع مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها و مضمون اصلی قابلیت اعتماد

مضمون	مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	معناهای درک شده مشارکت کنندگان به صورت فشرده	منابع
قابلیت اعتماد	بدگمانی‌های اعتقادی در زمینه نهادهای مالی	- تردید در حرام یا حلال بودن - عدم شفافیت و ارائه اطلاعات کافی جهت مطمئن کردن روستاییان از بابت شرعی بودن	بسیاری از افراد راجع به شرعی بودن وام و سود حاصل از پس‌انداز شک دارند. به خصوص نمی‌توان باور کرد بانک‌هایی که این همه سود می‌گیرند یا سود می‌دهند حلال است. بعضی چیزای بانک حرام نیست ولی با این حساب بعضی‌ها را می‌شناسم که شرایط وام گرفتن یا پس‌انداز کردن را دارند ولی به دلیل اعتقادشان حاضر نیستند این کار را انجام دهند. تعاونی دامداران، با کارمزد کم وام می‌داد و لی الان هم کم شده و هم کارمزد بالا رفت.	P20, P19, P17, P16, P15, P7, P4
	سوء ظن نسبت به امنیت مالی و انجام تعهدات	- نگرانی از بابت ضمانت‌های داده شده بانک برای اجرای بیمه - نگرانی روستاییان از بابت اشتباه در محاسبات مالی از سو نهادها	گاهی اوقات فکر می‌کنم نمی‌شود به این نهادها بخصوص تعاونی اعتباری و یا حتی به بانک مطمئن بود که پولتان را حفظ کند یا وقتی وامی دادند در محاسبات اشتباه نکنند. حتی بیمه‌ای که بانک کشاورزی انجام می‌دهد در خیلی از موارد کاربرد ندارد و واقعا مطمئن نیستیم که به انجام تعهدات بیمه پایبند باشند.	P25, P24, P16, P14, P11, P6, P5, P1
	سوء ظن نسبت به حفظ اسرار مالی از سوی نهاد مالی	- نگرانی روستاییان از بابت حفظ شان و آبرویشان - بدگمان بودن افراد به نهادهای مالی در زمینه حفظ اسرار مالی	از آنجا که منطقه کوچک است و همه همدیگر رو می‌شناسند شاید اسرار مالی ام را همه متوجه بشوند که مثلاً فلانی چقدر وام گرفته است یا چقدر بدهکار است و چقدر پس‌انداز دارد. بعضی وقت‌ها کمیته امداد خوب کمک می‌کند اما روستاییان جهت حفظ شانشان به طرفش نمی‌روند.	P21, P19, P18, P17, P13, P12, P10, P8, P7, P5
	عدم ضمانت به دلیل سوء ظن نسبت به نهادهای مالی	- ترس از متعهد نبودن نهادهای مالی در انجام وعده‌هایشان - ترس از ثبات قوانین نهادهای مالی	با این شرایطی که بانک‌ها بوجود آورده‌اند کمتر کسی پیدا می‌شود ضمانت یک کشاورز دست خالی را بر عهده بگیرد. قانون سفت و سختی برای ضامن شدن وضع کرده‌اند. مثلاً در تعاونی اعتبار روستایی مشکل ضامن به آن صورت نداشتیم.	P24, P23, P22, P20, P15, P14, P10, P4, P1
	بدبینی	- نگاه سودجویانه بانک	ما نهاد مالی می‌خواهیم که اینقدر ما را منبع کاسبی خود قرار ندهد و	P25, P22

P19, P18, P16, P9, P5.	دست ما را بگیرد. این نهادها حال ما کشاورزان را درک نمی کنند و فقط می‌خواهند خودشان زنده بمانند. بنظرم بهتر است کشاورزی را از نام بانک کشاورزی برداریم، چون فقط اسمش کشاورزیه، ولی عملاً کمتر کشاورزی به سمتش می‌رود.	کشاورزی به روستاییان؛ نه همیارانه - ارائه خدمات به طبقه خاص؛ نه الزاماً به عموم	روستاییان نسبت به نهادهای مالی به دلیل نگاه تجاری شان
------------------------	--	--	---

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

4-5) قابلیت ارائه در تمام ابعاد خدمات مالی

"قابلیت ارائه در تمام ابعاد خدمات مالی" یکی از مضامین اصلی استخراج شده از یافته‌های میدانی این تحقیق است که در برگزیده طبقات فرعی تری با عناوین عدم توجه به بخش پس‌انداز روستاییان، عدم توجه به بخش بیمه روستاییان و ناکارآمدی آن، در نظر نداشتن نیازهای متعدد روستاییان، است (جدول 6).

جدول شماره (6): روند استقرایی انتزاع مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها و مضمون اصلی قابلیت ارائه در تمام ابعاد خدمات مالی

مضمون	مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	معناهای درک شده مشارکت کنندگان به صورت فشرده	منابع
قابلیت ارائه در تمام ابعاد خدمات مالی	عدم توجه به بخش پس‌انداز روستاییان	- ارائه خدمات مالی فقط در قالب اعتبار - در نظر نداشتن نیازهای روستاییان برای پس انداز	اکثر این نهادهای مالی که وجود دارند تنها وام می‌دهند؛ یعنی تنها خدماتی که شامل حال ما می‌شود دریافت وام است که آن هم شرایط پیچیده‌ای برای آن قائل شده‌اند. یک بار از تلویزیون دیدم روستاییان مقداری از پولشان را در تعاونی پس‌انداز می‌کردند و سپس افراد بر طبق نیازهایشان از آن صندوق وام می‌گرفتند؛ خیلی خوب بود.	P24, P21, P19, P17, P15, P10, P6
	عدم توجه به بخش بیمه روستاییان و ناکارآمدی آن	- در نظر نداشتن نیازهای بیمه‌ای روستاییان - ناکارآمدی خدمات بیمه‌ای ارائه شده	روستاییان به بیمه این نهادها اعتمادی ندارند و ترجیح می‌دهند منازل و محصولات و سایر دارایی‌هایشان بیمه نباشد. البته ارائه بیمه در این نهادها خیلی کم رنگ است. خیلی‌ها اصلاً فکر نمی‌کنند این نهادها بیمه هم می‌کنند. آیا دامدار بازنشسته نمی‌شود؟ آیا اینها از کار افتاده نمی‌شوند؟	P22, P20, P17, P14, P11, P7, P5, P4, P1
	در نظر نداشتن نیازهای متعدد روستاییان	- عدم ارائه خدمات اجتماعی و افزایش آگاهی پیرامون مسائل کشاورزی و دامداری با رویکرد پشتیبانی مالی روستاییان - نبود تفکر خلاق و روزمرگی در مدیریت نهادهای مالی ارائه دهنده خدمات مالی	این نهادها مجبور نیستند فقط نهاد پولی باشند و پول پس‌انداز کنیم و پول بگیریم. مثلاً بانک کشاورزی بیاید یارانه خرید خوراک دام بدهد یا کالاهای مورد نیاز ما را با اقساط برای ما فراهم کند. نهادهای مالی کمک کنند برای مبارزه با بیماری دام و دامداری، کشاورزی کلاس‌های آموزشی برگزار کند.	P25, P24, P18, P17, P15, P13

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

4-6) قابلیت پوشش گسترده

مضمون "قابلیت پوشش گسترده" به طبقه‌های فرعی‌تری تحت عناوین محدودیت جنسیتی ارائه خدمات مالی، عدم ارائه خدمات به پس‌اندازکنندگان با مبالغ کم، عدم ارائه خدمات به وام‌گیرندگان با مبالغ کم، محدودیت ارائه خدمات به افراد با سطح سواد کم، محدودیت دامنه ارائه خدمات مالی برای روستاییان، تقسیم‌بندی می‌شود (جدول 7).

جدول شماره (7): روند استقرایی انتزاع مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها و مضمون اصلی قابلیت پوشش گسترده

مضمون	مقوله‌ها	خرده مقوله‌ها	معناهای درک شده مشارکت کنندگان به صورت فشرده	منابع
قابلیت پوشش گسترده	محدودیت جنسیتی ارائه خدمات مالی	- نادیده گرفتن زنان به عنوان عامل مهم تولید در خانوارهای روستایی - عدم ارائه و یا ناکارآمدی طرح خدمات مالی ویژه برای زنان روستایی - عدم ارائه خدمات آسان به زنان سرپرست خانوار	آیا همه نیازمندان مالی روستا مردان اند؟ زنان سرپرست خانوار و زنان روستایی که بخواهند کار کاسبی داشته باشند برای آنها سخت تر می‌شوند. ما مردان بسمت بانک نمیرویم چه بماند به زنان روستایی دور افتاده؟ گاهی وقت‌ها لازم است مسئولان بانک، کمیته امداد و تعاونی روستایی بسمت قشر روستایی بخصوص برود نه حتما اینها بروند.	p25, p20, p19, p16, p13, p12, p11, p7, p2
	عدم ارائه خدمات به پس‌اندازکنندگان با مبالغ کم	- شامل نشدن خدمات پس‌انداز به افراد با پول کم - نگاه تجاری به پس‌انداز روستاییان؛ نه کمک به آنها - نگاه تبعیض آمیز به افراد با دارایی کم	ما روستاییان پس‌انداز زیادی برای، پس‌انداز کردن نداریم. مبلغ ما برای بانک ارزشی ندارد. اصلا هیچ مزیتی برای ما ندارد بخواهیم پس‌انداز کنیم. باید یه جورى باشد که برای پس‌اندازهای کم هم مزایایی قائل شوند. مغازه داران اینجا را می‌شناسم هر روز بانک استند و پول پس‌انداز می‌کنند. پس‌انداز ما کجا پس‌انداز آنها کجا؟	p24, p22, p19, p14, p9, p8, p4
	عدم ارائه خدمات به وام‌گیرندگان کتندگان با مبالغ کم	- در نظر نداشتن خاصیت خرد بودن نیاز مالی روستاییان - در نظر نداشتن آسانی دریافت وام خرد از سوی کشاورزان	اکثر روستاییان اینجا اگر برای وام تقاضا کنند مقدارش زیاد نیست. این بانک‌ها بخصوص بانک کشاورزی هم مشتریانی دارد که بالای صد میلیون به افراد وام می‌دهد در نتیجه اصلا درخواست وام کم برای اون ضرر بحساب می‌آید. اصلا با این مقدار وامی که ما می‌خواهیم این همه دردسر ارزش نداره. من برای دو میلیون تومن خودم را اسیر پیچیدگی‌های بانک کشاورزی نمی‌کنم.	p25, p20, p18, p17, p15, p5, P1
	محدودیت ارائه خدمات به افراد با سطح سواد کم	- عدم بهره‌مندی افراد کم سواد و بی سواد از خدمات مالی - ساده نبودن فرآیندکاری برای افراد کم سواد و بی سواد - در نظر نداشتن نیازهای مالی مشتریان با سواد کم	بعضی از روستاییان اصلاً سواد ندارند ولی دامداری خوبی دارند و اینها اصلا از قانون و قرار بانک سر نمی‌آورند. باید جورى باشد بانک بتواند با این جور افراد رابطه برقرار کند. بانک کشاورزی مشتری باسواد مثل دکتر، مهندس و معلم دارد با این افراد بی سواد نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. آنها همه افراد را به یک چشم نگاه می‌کنند.	p25, p22, p18, p16, p8, p6, p3

p23, p21, p19, p18, p16, p14, P10, p5, p2	گاهی وقت ها بانک کشاورزی یا کمیته امداد یا تعاونی وام می-دهند و فقط می گویند مثلا گاو بخريد يا گوسفند بخريد، اگر من برای کار ضروری دیگر آنجا بروم هیچ وامی وجود ندارد. من خواستم وام بگیرم ماشین بخرم تا گاوهایم را نفروشم که نتوانستم.	- روستایی نبودن ارائه خدمات و صرفاً کشاورزی بودن - عدم پشتیبانی همه جانبه از روستاییان	محدویت دامنه خرج کرد وام داده شده به روستاییان
---	---	---	---

منبع: یافته‌های تحقیق، 1395.

5) بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مضامین اصلی استخراج شده «قابلیت انعطاف‌پذیری» است. منظور از انعطاف‌پذیری نهاد مالی روستایی، انعطاف‌پذیری زمانی در بازپرداخت وام‌ها به نحوی که با فصل کاشت و هزینه کردن دامداران و کشاورزان تداخل نداشته باشد. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد که تداخل زمانی پرداخت وام با فصل کم‌پولی زارعان خرده‌پا علاوه بر اینکه عده‌ای را از گرفتن اعتبار محروم کرده است، برای عده‌ای که به اعتبار دست یافته‌اند هم سود کافی دربر نداشته است. ام. ال. داوان (1390)، در مطالعه خود اشاره نموده است که در برخی از کشورهای جهان سوم با شرایط نهادهای مالی فعلی حدود 90 درصد از زارعان خرده‌پا قادر به دریافت اعتبار نیستند. وی یکی از دلایل آن را متناسب نبودن زمانی فرآیند دریافت و پرداخت اعتبارات با کشت و کار روستاییان دانسته است. بعد دیگر انعطاف‌پذیری، انعطاف‌پذیری در تهیه وثیقه برای دامداران و زارعان خرده‌پایی است که در بسیاری از موارد به دلیل شرایط وثیقه از دریافت اعتبار صرف‌نظر می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که روستاییان به دلیل نداشتن سند ملکی رسمی و بانک-پسند نمی‌توانند آن طور که لازم است، به خدمات مالی نهادهای مالی روستایی اتکاء داشته باشند. این نتیجه با بررسی‌های یارون و همکاران (1381)، در برخی از کشورهای آفریقایی نیز همسو است. در نهایت، آنچه که در این مضمون استخراج شده است انعطاف‌پذیری در زمینه هزینه‌کرد اعتبار است. این بدان معناست که تمام ابعاد زندگی کشاورزان خرده‌پا در هم تنیده است و اگر اجباری در خرج‌کرد اعتبار داده شده (همانند بانک‌های تجاری) داشته باشد، آنان مجبور به صرف نظر کردن از دریافت اعتبار می‌شوند.

قابلیت دسترسی از جمله ملاک‌هایی است که در فضای روستایی با سطح معیشتی خرده‌پایی، با موقعیت جغرافیایی دوردستی بسیار پراهمیت است. از یک منظر، منظور از قابلیت دسترسی، دسترسی

فیزیکی است؛ این ملاک در شرایطی قابل درک است که فضای روستایی جنگلی - کواستانی درک گردد. این نواحی به دلیل پراکندگی و دوردستی در زمینه دسترسی به خدمات، از جمله خدمات مالی با مشکل مواجه است. از این رو، مسئله دسترسی فیزیکی در محدوده مورد مطالعه با نتایج تحقیق روزنبرگ (1994)، محمود و تالا (2015) و زلر (2003) مطابقت دارد. مفهوم دیگر دسترسی، دسترسی زمانی یا همان هماهنگ بودن زمان بازپرداخت اعتبار با زمان هزینه و درآمد زارعان و دامداران خرده‌پا است. زارعان و دامداران خرده‌پا همانند بسیاری از طبقات شهری انضباط درآمدی در دخل و خرج آنان وجود ندارد. از این رو، اگر سیاست اجرایی نهادهای مالی روستایی، شهرگونه باشد، دسترسی آنان کم می‌شود. این گفتار نیز با نتایج یافته‌های طالب (1372)، حسن‌زاده و قویدل (1384) و برانن (2010) که از جمله عوامل عدم موفقیت نهادهای مالی روستایی موجود در کشورهای جهان سوم را در نظر گرفتن عامل زمان در توزیع اعتبارات دانسته‌اند، همسو است.

بُعد دیگر در این زمینه، جوابگو نبودن همیشه‌گی به دلیل کمبود مالی است. بررسی یافته‌ها نشان داد در صورتی که مؤسسات مالی روستایی به یارانه‌های دولتی وابسته باشند، وجود اعتبار برای رفع نیاز روستاییان در همه زمان‌ها با تردید همراه است. بر اساس بررسی متوسلی و آقابابایی (1387)، دخالت مستقیم دولت موجبات ضعف نهادهای مالی روستایی فراهم آورده است و دخالت دولت باید غیر مستقیم و مربوط به ظرفیت‌سازی‌های نهادی در سطح کلان باشد.

حسن‌زاده و قویدل (1384) در پژوهشی با بررسی مقایسه‌ای صندوق‌های قرض‌الحسنه با گرامین بانک اظهار داشته‌اند که خودکفایی مالی از جمله مشخصه‌های یک برنامه موفق تأمین مالی روستایی است و صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی ایران باید این ملاک را سرلوحه کار خود قرار دهند و همچنین با درک بیشتر ماهیت کشاورزی از حیث غیرقابل پیش‌بینی بودن اتفاقات آینده برای مشاغل مربوط به آن و ویژگی خرده‌پایی در بهره‌برداری‌ها، وابسته نبودن مؤسسات مالی روستایی به منابع خارجی پراهمیت است. نتایج تحقیقات رحیمی (1380)، یارون و همکاران (1381)، ام. ال. دوان (1393) و وان‌پیش (1991) نیز مؤید نتیجه‌ی به دست آمده است.

از دیگر خرده‌مقوله‌ای که در ذیل بُعد قابلیت دسترسی قرار می‌گیرد، "جواب‌گویی در شرایطی که برای کشاورزان اتفاق اجتماعی - اقتصادی پیش آمده"، است. از یک طرف، معیشت زارعان و دامداران خرده‌پا دائماً در معرض بحران‌های طبیعی، اجتماعی و اقتصادی (به ویژه در مناطقی جنگلی-کواستانی) است و از طرف دیگر، پشتوانه ضعیف مالی آنان، روستاییان را در مقابل چنین شوک‌هایی بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد. بنابراین، می‌توان قابلیت دسترسی به مؤسسات مالی را به معنای جواب‌گویی در شرایط اضطراری ترجمه کرد. از سوی نگاراجان (2001)، روگالی (1997)، سازمان بهره‌وری آسیا (1988) و

یارون و همکاران (1381)، نیز یکی از مشخصه‌های مطلوب نهادهای تأمین مالی، حمایت به موقع و سریع روستاییان در مواقع شوک‌های طبیعی و انسانی برشمرده شده است.

«قابلیت فهم و سادگی سازوکارهای مؤسسات مالی» به خصوص برای نواحی روستایی با ویژگی‌های اشاره شده یا مشابه آن از جمله مضامین مهم دیگری است که از یافته‌های تحقیق استنتاج می‌شود. متناسب نبودن فرآیند انجام کار بانک با سطح سواد و تجربه روستاییان از جمله مفاهیمی است که از این مضمون مجزاء می‌گردد. این مسئله برای جامعه روستایی با سطح پایین تجربه و سواد پراهمیت است. از این رو، مؤسسات مالی که سازوکار اجرایی آن متناسب با سطح سواد بومیان همان نواحی باشد و مکانیزمی قابل درک برای روستاییان داشته باشد، از جمله شاخص‌های بهینه‌گی نهاد مالی روستایی است. نتایج حاصل از پژوهش‌های زلزله (2003)، وان‌پیش (1991) و کاسراجیان (2011) با این نتیجه همخوانی دارد؛ به نحوی که این تحقیقات سطح دانش و مهارت اجتماعی روستاییان را در برخی از مناطق پایین دانسته و این عامل موجب حذف آنان از برخورداری از منابع رسمی می‌شود که باید در نهادسازی‌های مالی آن را در نظر داشت. از مقوله‌های دیگر در ذیل خصیصه قابلیت سادگی، بورکراسی طولانی و گیج‌کننده برای روستاییان است. این مسئله‌ای است که بسیاری از کشورهای موفق در زمینه بانکداری روستایی بدان پی برده‌اند و مکانیزمی را طراحی نموده که سادگی و عدم وجود برورکراسی از خصیصه‌های مهم آن باشد. یارون (1381)، جانسون و روگالی (1383)، شریف‌زاده و شریفی (1386)، نیز روال اداری طولانی نهادهای مالی روستایی را برای روستاییان یک عامل منفی دانسته و پیشنهاد می‌کنند که در نهادسازی‌های مالی روستایی باید این خصیصه را در نظر داشت. اطلاع‌رسانی دیرنگام و پیچیده برای روستاییان، به عنوان یکی از مقوله‌های مضمون اشاره شده است.

پایین بودن سطح تکنولوژی‌های ارتباطی، دانش فنی پایین جهت بهره‌گیری از اطلاع‌رسانی موبایلی و شرایط طبیعی حاکم بر برخی از نواحی روستایی عواملی است که بر این معضل دامن می‌زند. آگاهی-رسانی در شرایط جغرافیایی که موانع ارتباطی زیادی در مسیر انتقال اطلاعات وجود دارد؛ مسئله‌ای است که برنامه‌ریزان نهادهای مالی روستایی را به فکر ایجاد راهکاری انداخته تا اینکه هم اطلاع‌رسانی به موقع انجام گردد و هم اینکه اطلاعات واصله قابل درک برای ذی‌نفعان خدمات باشد. پژوهش‌های سانگوپتا و آبوچان (2008)، یارون و همکاران (1383) و ام. ال. داوان (1393) نیز نشان داده است که برای برخی از روستاییان اطلاعات و آگاهی کم‌شان از یک سو و کمبود اطلاعات از وضعیت اجتماعی - اقتصادی روستاییان برای نهادهای مالی از سوی دیگر، موانعی در مسیر دستیابی به منابع مالی رسمی ایجاد نموده است که لازم است با بسترسازی‌های لازم، شکاف اطلاعاتی بین روستاییان و نهادهای مالی از میان برداشته شود.

در نهادسازی برای تأمین خدمات مالی مورد نیاز روستاییان باید بر روانشناسی اجتماعی نیز شناخت کافی داشت و آنان را متمایز با ذی‌نفعان خدمات مالی شهری دانست. این مورد در پژوهش حاضر با عنوان متناسب نبودن فضای کاری بانک‌های تجاری با سطح مهارت اجتماعی روستاییان شناخته شده است. نهادسازی برای ارائه خدمات مالی به جوامع روستایی که سطح ارتباط اجتماعی متفاوت با نظام شهری دارند، شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. در این راستا نتایجی که از تحقیق به دست آمده است در مفاهیم نامأنوس بودن و احساس غریبه‌گی کردن با کارمندان نهادهای مالی و نداشتن درک متقابل از ادبیات کلامی همدیگر خلاصه گردیده است.

بررسی وان‌پیش (1991)، شریف‌زاده و شریفی (1386)، ام. ال. داوان، 1393 نیز نشان داده است که از جمله قابلیت‌های نهادهای تأمین کننده خدمات مالی روستایی، بومی بودن و درک شرایط رفتاری ذی‌نفعان خدمات مالی است تا با توجه به الگوهای رفتاری و سبک ارتباطی خاص آنان عمل نماید و بین آنها و مشتریان شهری از لحاظ نوع و سبک رفتار، پیرامون خدمات‌دهی مالی تفاوت قائل شوند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داده است که مؤسسات مالی روستایی در صورتی که نتوانند با خدمات‌گیران مالی نواحی روستایی از لحاظ سطح ارتباط اجتماعی همسطح شود، در ارائه خدمات مالی به روستاییان ناموفق خواهد بود. مضمون دیگری که برای شناخت مؤلفه‌های بهینه‌گی نهادهای تأمین مالی روستایی از یافته‌های تحقیق حاصل شده، «قابلیت اعتماد» است. مفهوم اعتماد از چند جنبه مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داده است یکی از مقوله‌هایی که باید در بحث سازوکار ایجاد نهاد برای تأمین خدمات مورد نیاز روستاییان در نظر داشت، مسائل مذهبی - اعتقادی است. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که روستاییان به سمت نهاد و نوع خدمت مالی ارائه شده از مؤسسات مالی تمایل دارند که حداقل شبیه در زمینه مسائل اعتقادی وجود داشته باشد و در این صورت اعتماد آنها نسبت به چنین مراکز مالی بیشتر می‌گردد. معظمی (1377)، حسن‌زاده (1382)، روگالی (1996)، روزنبرگ و وولپین (1993) و شارما (2001) نیز در پژوهش‌شان به لحاظ داشتن اهمیت مسائل شرعی در کارآیی نهادی تأمین مالی روستایی اشاره داشته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان داده است تا زمانی که نهادهای مالی روستایی نتوانند به این امر توجه نمایند، جامه عمل آنها محدود شده و به اهداف خود دست نمی‌یابند.

یک نهاد مالی کارآ باید در رفع بدگمانی‌های ذی‌نفعان در زمینه اجرای تعهدات به خصوص در زمینه بیمه دامداران و زارعان خرده‌پا و همچنین صحت و درستی حساب‌های مالی کوشش کند. این جنبه در واقع این نکته را روشن می‌کند که جوامع روستایی با چنین ویژگی نیاز به نهاد مالی دارد که انجام تعهدات و ارائه حساب‌های دقیق برای روستاییان جای شک باقی نگذارد. وان‌پیش (1991)، وان باستلر (2000) و زلر (2003) در پژوهش‌شان بر این نتیجه صحه گذاشته و بیان داشته‌اند که جوامع روستایی با توجه به بسته بودن و کم‌توانی مالی نسبت به نداشتن چنین ویژگی‌هایی واکنش سریع نشان داده و انجام

تعهدات همواره برای آنها با شک و تردید همراه است. از سوی دیگر، این خصوصیت را می‌توان در ارتباط با سوء ظن نسبت به حفظ اسرار مالی از سوی مؤسسات مالی نیز صادق دانست. در واقع ذات جامعه روستایی این امر را به وجود می‌آورد که آنان نسبت حفظ شان و آبروی‌شان حساس‌تر بوده و تا زمانی که این نگرانی برای آنان برطرف نگردد، یک موسسه مالی نمی‌تواند به سطح بالایی از بهینه‌گی در ارائه خدمات دست یابد. تأکید بر حفظ اسرار مالی روستاییان در مؤسسات مالی روستایی نتیجه‌ای است که روگالی (1996) نیز بدان اشاره نموده است.

مسئله وثیقه در نظام تأمین مالی روستایی را می‌توان از ابعاد گوناگون دید. به عبارتی، موضوع وثیقه را از منظری هم می‌توان در مقوله قابلیت اعتماد گنجانند. به نحوی که روستاییان این مشکل را تحت عنوان عدم ضمانت به دلیل سوء ظن نسبت نهادهای مالی درک کرده‌اند. این نکته به نوعی بیان‌کننده‌ی این است که فراهم آوردن وثیقه برای برخورداری از خدمات مالی در شرایطی که آنان نسبت به تعهدات نهادهای مالی دارای ظن هستند، بسیار مشکل است و همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به شرایط سختی که برای انتخاب ضامن لحاظ می‌گردد، بدگمانی را برای افراد ضامن‌شونده ایجاد کرده است. در این راستا، طبق نتایج پژوهش معظمی (1378)، حسن‌زاده و قویدل (1384)، لالیثا و نگاراجان¹ (2002)، کثول و همکاران² (2013) و کارماکر³ (1999)، مسئله وثیقه و عدم اعتماد متقابل هنوز برای نهادهای مالی روستایی مسئله‌ای حل نشده است و این موضوع بر دامنه خدمات‌رسانی مالی در نواحی روستایی تأثیرگذار است. همچنین اینان نشان داده‌اند که اگر در مسیر نهادسازی مالی در نواحی روستایی برای مسئله وثیقه استراتژی مناسبی اندیشیده نشود، در این صورت آن نهاد مالی به هدف مطلوب خود دست پیدا نخواهد کرد.

نکته‌ای دیگر که در ارتباط با مضمون اشاره شده از یافته‌های تحقیق منتج می‌شود این است که رویکرد تجاری نهادهای مالی و نگاه کاسب‌کارانه در نهادهای مالی به نوعی عدم اعتماد و سوء ظن ذی-نفعان را نسبت به نهادهای مالی به وجود می‌آورد (البته نمی‌توان بنگاه مالی‌ای را در نظر داشت که بدون دریافت مبلغی ادامه حیات دهد؛ بنابراین در اینجا منظور، حد معقولانه از تجارت مالی از سوی نهادهای مالی مد نظر است). در این راستا یافته‌های تحقیق مکرراً نشان داده است که مشارکت‌کنندگان، بانک کشاورزی را در مقایسه با تعاونی روستایی دامداران در شاخصه نگاه کاسب‌کارانه داشتن مورد نقد قرار داده‌اند و نگاه همیارانه و دلسوزانه تعاونی دامداران، اعتماد آنها را بیشتر جلب کرده است.

ادبیات تأمین مالی بیانگر این است که تأمین مالی دارای ابعاد وام، پس‌انداز، بیمه و نقل‌وانتقالات (پرداخت) است. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد بهینه‌گی یک نهاد مالی روستایی با ارائه خدمات در

¹ Lalitha and Nagarajan

² Ksoll et al

³ Karmakar

تمام ابعاد خدمات مالی به خصوص وام، پس‌انداز و بیمه در ارتباط است. از این رو، یکی از مقوله‌های مهم بهینه‌گی نهاد مالی روستایی، داشتن ظرفیت پس‌انداز برای زارعان و دامداران خرده‌پا است و تمایل به پس‌انداز در آنان بالا است. نهادهای مالی رسمی و نیمه‌رسمی با رویکرد تجاری قادر نیستند، این بُعد از نیاز روستاییان را تحت پوشش قرار دهند. نجفی و قربانی (1380)، جوانمردی (1384)، بلالی و وحدت‌مودب (1393) و رابینسون (2001) در تحقیق خود ضمن تأکید بر اهمیت در نظر گرفتن قابلیت پس‌انداز در نهادهای مالی روستایی بدین نکته اذعان داشته‌اند که روستاییان (هرچند کم) قادر به پس‌انداز هستند و خواستار جذب این پس‌اندازها توسط نهادهای مالی روستایی‌اند. بعد دیگری که در ارائه خدمات مالی روستایی در ذیل این مضمون شناخته شده است، بیمه روستاییان به خصوص در بخش‌های زراعی و دامداری، بیکاری و بازنشستگی بوده است. در واقع از آنجا که زارعان و دامداران خرده‌پا از لحاظ صنفی در هیچ طبقه‌ای جای ندارند، در نتیجه در مواقع بیکاری و یا از کارافتادگی، بسیار آسیب‌پذیر هستند. جوانمردی (1384)، طیبی و نجفی (1390) و هالم (2000) معتقدند در تأمین مالی روستایی بخش بیمه، علی‌رغم اینکه از ارکان مهم در جهت توانمندسازی روستاییان و افزایش توان مقابله با تکانه‌های اجتماعی - اقتصادی و طبیعی و عاملی مهم در پیشبرد اهداف توسعه روستایی است؛ اما در تأمین مالی روستایی کشورهای کمتر توسعه‌یافته کمتر مدنظر قرار گرفته می‌شود. از این رو پیشنهاد شده است که ارائه بیمه کارآمد در زمینه محصولات و دارایی‌های زارعان و دامداران باید در نهادسازی و بهینه‌گی مؤسسات مالی روستایی در نظر داشت.

طبق یافته‌ها، روستاییان نهادهای مالی را صرفاً نهاد پولی نمی‌دانند و انتظار آنان از یک نهاد مالی مناسب، علاوه بر ارائه خدمات پولی، ارائه خدمات اجتماعی سرمایه‌بر و یا تخصیص یارانه‌ها بر محصولات مورد نیاز کشاورزی‌شان است. در این راستا، برای نهادسازی مالی روستایی باید نهادی را متصور بود که حضور فعال و همه‌جانبه در زندگی روستاییان دارد و از نزدیک شرایط زندگی آنان را درک کند. این نتیجه با اظهارات ام. ال. داوان (1393) و میرزا ابراهیم تهرانی (1384)، شریف‌زاده و شریفی (1386) همسو است. همچنین این پژوهشگران بر این نکته اذعان دارند که نهاد مالی روستایی کارآمد، نهادی است که با مدیریت خلاق و گریزان از روزمره‌گی‌ای می‌کوشد در سایه همجواری با روستاییان، خدمات مالی را به همراه خدمات اجتماعی مورد نیاز (مثل آموزش) ارائه دهد.

قابلیت پوشش گسترده در واقع به این معنا اشاره دارد که نهاد مالی روستایی به نحوی باشد که بتواند به همه اقشار روستایی، به خصوص به قشرهای محروم و کم‌توان، خدمات مالی ارائه کند و به نوعی نهادسازی در نواحی روستایی به گونه‌ای باشد که بخشی از نیازمندان روستایی حذف نشود. یافته‌ها نشان می‌دهد با سازوکار مالی فعلی حاکم بر منطقه بخش وسیعی از نیازمندان خدمات مالی از چرخه تأمین خارج شده است. یکی از مفاهیم برداشت شده در ذیل این مضمون اصلی محدودیت‌های جنسیتی در

دسترسی به خدمات مالی است. نتایج نشان می‌دهد علی‌رغم حضور و مشارکت زنان در کسب‌وکار روستایی برای آنها شرایطی ایجاد نشده است تا از خدمات مالی بهره‌مند گردند. در این راستا نتایج تحقیق بر این مطلب صحه می‌گذارد که یکی از مؤلفه‌های بهینه‌گی مؤسسات مالی روستایی در نظر داشتن زنان روستایی به عنوان بخش مهمی از جامعه روستایی است که اکنون جزء بخش فراموش شده نهادهای مالی ارائه دهنده خدمات مالی روستایی‌اند. در این راستا نتایج تحقیقات کارانی‌بی (2007) و راثینام و ناتچیموئو (2010) و رحمانی و همکاران (1389) نیز همسو با این نتیجه تحقیق است. مقوله بعدی در راستای مضمون مذکور، عدم ارائه خدمات به پس‌اندازکنندگان با مبالغ کم است، چرا که غالباً در نظام زراعی و دامداری خرده‌پایی مقدار پس‌انداز کم است. در ارتباط با این مسئله نهاد مالی کارآ، نهادی است که به نحوی طراحی گردد تا بتواند پس‌انداز کنندگان با مبالغ کم را هم تحت پوشش قرار دهد. البته همانطور که در نواحی روستایی محدود مورد مطالعه مقدار پس‌انداز کم است، مقدار دریافت وام در غالب اوقات (نسبت به مقیاس‌های بانک‌های تجاری) نیز کم است. این خصیصه تا زمانی که نهاد مالی روستایی رویکرد تجاری و کاسب‌کارانه دارد مانع از این می‌شود که بسیاری از نیازمندان اعتبارات خرد از خدمات مالی بهره‌مند گردند. در نتیجه تعدادی زیادی از ذی‌نفعان خدمات مالی در نواحی روستایی به همین دلیل حذف شده‌اند. نتایج پژوهش‌های جوانمردی (1384)، حسن‌زاده (1382) و روگالی (1996) نشان داده است که نهادهای رسمی و نیمه‌رسمی رایج در نواحی روستایی برخی کشورها در بسیاری از موارد به علت خرد بودن وام‌های درخواستی و همین‌طور پس‌اندازشان نتوانستند به طور کامل به این امر مهم دست یابند و بالطبع این بخش از جامعه روستایی از خدمات پس‌انداز محروم گذشته و تحت پوشش این خدمت قرار نمی‌گیرند.

در ذیل تحلیل‌های مربوط به مضمون محدودیت پوشش، محدودیت ارائه خدمات به افراد با سطح سواد کم استخراج گردیده است. این مفهوم به این نکته اشاره دارد که بسیاری از زارعان و دامداران خرده‌پای محدوده جنگلی-کواستانی از سواد بالایی برخوردار نیستند و یا در برخی موارد بی‌سواد هستند و در نتیجه این افراد از چرخه بهره‌گیری از خدمات مالی حذف می‌گردند. در واقع از نماگرهای بهینه‌گی یک نهاد مالی روستایی این است که افراد کم سواد و یا بی‌سواد بتوانند با این نهاد ارتباط برقرار کنند و تمامی نیازهای مالی‌شان را مطرح کنند. یافته‌های پژوهش محققانی مانند بختیاری (1389)، متوسلی و آقابابایی (1387) و سانگوپتا و آبوچان (2008) نیز نشان می‌دهد نهادهای مالی روستایی باید خصیصه‌های اجتماعی روستاییان مثل سواد را در نظر داشته و نظامی طراحی گردد که برای ذی‌نفعان روستایی قابل فهم باشد و همچنین، به تمام مشتریان به یک چشم نگاه کرده و تبعیضی در کار نباشد.

یافته‌های پژوهش نشان داده است که، وام خرد اختصاص یافته بیش از آن که روستایی باشد، کشاورزی است و بر وجه نیاز مصرفی روستاییان کمتر توجه شده است. در واقع پنداشتن این تصور برای

مجریان دستگاه‌های مالی که تمام اعتبارات اعطائی به روستاییان باید در محدوده زراعت و دامداری خلاصه گردد، موجبات حذف شدن بخشی از مشتریان را فراهم می‌آورد و این پنداشت با توجه به سبک معیشتی زارعان و دامداران خرده‌پا باید جای خود را به "اعتقاد به درهم‌تنیدگی ابعاد مختلف زندگی" این قشر از جوامع روستایی دهد؛ چراکه مخارج گوناگون آنان بهم وابسته بوده و چه بسا در بسیاری از موارد هزینه کردن آن مبلغ در کار غیرکشاورزی به طور غیرمستقیم بر رونق کشاورزی مورد فایده واقع گردد. وان‌پیش (1991)، روبینسون (2001)، ام. ال. داوان، 1393؛ جوانمردی (1384)، در پژوهش‌شان ضمن تأکید بر این نکته، معتقدند که نباید چنین تصور کرد که هزینه کرد اعتبار دریافت شده در بخش غیرزراعی و دامداری موجب تلف شدن منابع مالی است؛ بلکه به طور غیرمستقیم هزینه‌کردها بر هم اثرگذار است. در مجموع، با توجه به بحث‌های انجام شده در زمینه‌ی قابلیت‌های نهادهای تأمین‌کننده خدمات مالی نواحی روستایی می‌توان الگوی بهینه‌گی این نهادها را در قالب شکل 2 نشان داد:



شکل شماره (2): الگوی تحلیلی بهینه‌گی نهادهای تأمین خدمات مالی نواحی روستایی

در بررسی قابلیت‌های نهادهای تأمین‌کننده‌ی خدمات مالی و دستیابی به شرایط بهینه‌گی آنها باید این نکته را همواره در نظر داشت که نهادهای مالی در کدام ساختار اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی مورد نظر است. به بیانی دیگر، با چه ویژگی اقتصادی، اجتماعی، نهادی و با چه ویژگی‌های جغرافیایی نهادهای مالی مورد بحث قرار می‌گیرد؟ علاوه بر این، تنها در صورت درک واقعی ویژگی‌های موضوع در بستر وقوع

می‌توان تحلیل مناسبی از داده‌ها ارائه نمود و به نتایج قابل اتکایی دست یافت. در این پژوهش، بهینه‌گی یک نهاد مالی روستایی در روستاهای جنگلی - کواستانی که از جمله‌ی ویژگی‌های آن انزوای جغرافیایی، پراکندگی جمعیت، دوردستی از مراکز خدمات و پایین بودن آستانه جمعیتی برای ایجاد مراکز خدماتی و خرده‌پا بودن کشاورزی است، مورد بحث قرار گرفته است. در مجموع، بهینه‌گی نهادهای تأمین خدمات مالی روستایی در این ناحیه را می‌توان در شش مضمون (که خود از مؤلفه‌های فرعی‌تر انتزاع شده‌اند) ارائه داد که شامل قابلیت انعطاف‌پذیری، قابلیت دسترسی، قابلیت فهم و سادگی، قابلیت اعتماد، قابلیت ارائه در تمام ابعاد خدمات مالی و قابلیت پوشش گسترده است. از این رو به مدیران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی پیشنهاد می‌شود که در نهادهای مالی روستایی رویکرد متفاوت از رویکرد شهری اتخاذ نمایند و متناسب با ویژگی‌های همان نواحی ارائه خدمات مالی به نحوی انجام گردد که حداکثر فقرا و نیازمندان واقعی نواحی روستایی را تحت پوشش قرار داده و یا حداقل عدم دسترسی نیازمندان واقعی روستایی به خدمات مالی در ذیل توجه به قابلیت‌های مستخرج شده مذکور، به کمترین حالت ممکن رسد. همچنین، به پژوهش‌گران مسائل نهادی و نهادهای خدمات‌رسانی در نواحی روستایی پیشنهاد می‌گردد این موضوعات را در بستر وقوع و با مشاهدات و مصاحبه‌های مستقیم مورد بررسی قرار دهند و از نزدیک از چالش‌های آن آشنا شده و با داشتن نگاه ترکیبی از پایین به بالا و بالا به پایین راهکار مناسب را برای همان نواحی جهت برون‌رفت از مشکلات ارائه دهند.

6 منابع

- ام. ال. دوان، (1388)، **اولویت‌های توسعه روستایی**، ترجمه مهدی طالب و همکاران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- بختیاری، صادق، (1389)، **مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی**، مجله دانش و توسعه، علمی - پژوهشی، سال هفدهم، شماره 30.
- بلالی، حمید و هاجر وحدت مودب، (1393)، **مدلسازی پس‌انداز خانوارهای روستایی و بررسی تأثیر سناریوهای مختلف سیاستی بر آن (با بهره‌گیری از رویکرد پویایی سیستم)**، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد 6، شماره چهار، زمستان 1393.
- تودارو، مایکل، (1364)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعی فرهادی، تهران، انتشارات کوهسار.
- جانسون، سوزان و بن روگالی، (1383)، **تأمین مالی خرد و کاهش فقر**، ترجمه پیروز ایزدی، انتشارات روستا و توسعه.
- جعفری‌نژاد، مسعود؛ کلانتری، صمد و مسعود منتظری، (1389)، **بررسی جایگاه دهیارها به عنوان نهادهای میانجیگری بین دولت و مردم**، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره 2، صص 85 - 114.
- جوانمردی، کیامرث، (1384)، **لزوم و اهمیت تشکیل گروه‌های خودیار مالی روستایی در گسترش اعتبارات خرد روستایی (تجربه بانک کشاورزی)**، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد (توسعه روستایی و کاهش فقر)، تهران.

- حسن‌زاده، علی و صالح قویدل، (1384)، چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران (مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش)، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره 49.
- حسن‌زاده، علی، (1382)، توسعه خدمات مالی - اعتباری و نهادهای مالی غیربانکی با تأکید بر بخش روستایی، فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره 3.
- رحمانی، مریم؛ رحیمی‌پور گاوکانی، سعید؛ زند رضوی، سیامک؛ ادیبی، مهدی و علی ربانی، (1389)، اثر اعتبارات خرد بر مدیریت بحران: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستای پشت‌رود بم، فصلنامه روستا و توسعه، سال 13، شماره 3، پاییز 1389.
- رحیمی، عباس، (1380)، مروری بر ویژگی‌های نظام اعتبارات خرد، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد و زنان روستایی، تهران، 1380.
- رحیمی، عباس، (1385)، بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های و ساختار نظام اعتبارات در ایران با دو کشور برزیل و اندونزی، مجله جهاد شماره 275.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم و مهنوش شریفی، (1386)، تجربه گرامین بانک در زمینه ساماندهی اعتبارات روستایی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 236 و 235.
- طالب، مهدی، (1372)، اعتبارات روستایی در ایران، نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل، جهادسازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- طیبی، زهرا و بهالدین نجفی، (1390)، تعیین میزان آسیب‌پذیری و شیوه مدیریت خطر در گروه‌های اعتباری خرد: کاربرد مدل تقسیم خطر و داده‌های پانل، فصلنامه اقتصاد کشاورزی، جلد 5، شماره 4.
- متوسلی، محمود و رضا آقابابایی، (1387)، بررسی ویژگی‌های الگوهای مالیه خرد در جهت تعیین عوامل کلیدی موفق آن، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 83، تابستان 87، صص 267 - 225.
- معظمی، میترا، (1377)، بررسی مبانی نظری و تجربی اعتبارات روستایی (در برخی کشورهای آسیایی)، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت کشاورزی.
- میرزا ابراهیم تهرانی، فاطمه، (1384)، بررسی مسوولیت‌های اجتماعی بانک کشاورزی با تأکید بر ارائه اعتبارات خرد به زنان، فصلنامه بانک و کشاورزی، دوره جدید، سال دوم، شماره هشتم.
- نجفی، بهالدین و محمد قربانی، (1380)، ساختار ظرفیت پسانداز روستایی در ایران، فصلنامه جهاد، سال هیجدهم، شماره 211 - 210.
- نوری‌نائینی، سیدمحمدسعید، (1388)، اهداف هزاره، اعتبارات خرد و توسعه روستایی در ایران، مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد (توسعه روستایی و فقر زدایی)، تهران، مرکز تحقیقات اقتصادی، صص 15 - 4.
- یارون، جاکوب، (1381)، تأمین مالی روستایی: طراحی و تجارب برتر، ترجمه رضا حسینی، نشر علوم کشاورزی، تهران.
- Asian Productivity Organization (APO), (1998), **Farm Finance and Agricultural Development.**
- Brannen, (2010), **An Impact Study of the Village Savings and Loan Association (VSLA) Program in Zanzibar, Tanzania**, A thesis submitted to the faculty of Wesleyan University, in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Bachelor of Arts with Departmental Honors in Economics.
- Hulme, D., (2008), **Microfinance A Way Forward. Manchester: Brooks World Poverty Institute.** Working Paper No. 54.

- Karmakar, K.G., (1999), **Rural Credit and Self-Help Groups**; Micro Finance needs and concepts in India, Sage Publication, New Delhi.
- Karrani bee, Faustine, (2007), **Rural Financial Markets in Tanzania, An Analysis of Access to Financial Services in Babati District, Manyara Region**, submitted in accordance with the requirements for the degree of Dogtor of literature and philosophy, University of south Afrca.
- Kasarjyan, Milada, (2011), **Improving the Functioning of the Rural Financial Markets of Armenia**, Leibniz Institute of Agricultural Development in Central and Eastern Europe, Volume 62.
- Ksoll, C., Lilleor B., H., Lonborg, H. J. and Rasmussen, D. O., (2013), **Impact of Village Savings and Loans Associations: Evidence from a Cluster Randomized Trial**, Published The Rockwool Foundation Research Unit, Study Paper No. 56.
- Lalitha N. and B.S Nagarajan, (2002), **Self-Help Groups in Rural Development**, Dominate Publishers and Distributors, New Delhi.
- Mahmud, Azim Uddin and F. Tulla, Antoni, (2015), **Geography of Rural Enterprise Banking and Microfinance Institutions in Bangladesh**, Documents d'Anàlisi Geogràfica, vol. 61/2.
- Nagarajan, Geetha (2001), **Disaster Management for Microfinance Institutions in Mozambique: Reflecting on Lessons Learnt for Future Directions**. Retrieved 3 September 2009.
- Oluyombo, O. O., (2012), **The Role of Cooperative Societies in Rural Finance: Evidence from Ogun State, Nigeria**, Thesis Submitted in Partial Fulfilment of the Requirements of de Montfort University, Leicester, United Kingdom for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Rathinam, U. and Natchimuthu K, (2010), **Women Empowerment in Indian Context - An Impact of Self Help Groups on Women Livelihoods in Pondicherry'**, Lambert Academic Publishing, Pages: 120.
- Robinson, M. S., (2001), **the Microfinance Revolution: Sustainable Finance for the Poor. USA**: International Bank for Reconstruction and Development.
- Rogaly, B., (1996), **Agricultural Growth and the Structure of Casual Labour – hiring in Rural West Bengal**, journal of peasant studies, 23 (4).
- Rosenberg, R., (1994), **Beyond Self-Sufficiency: Licensed Leverage and Microfinance Strategy**. Washington, D. C.: United State Agency for International Development.
- Rosenzweig, R. and Wolpin, V., (1993), **Credit Market Constraints, Consumption Smoothing, and the Accumulation of Durable Production Assets in Low-Income Countries: Investments in Bullock in India**. Journal of Political Economic, 101(2): 223-244.
- Sengupta, R. and Craig P. Aubuchon, (2008), **The Microfinance Revolution**, Federal Reserve Bank of St Louis Review, January/February 2008.
- Shah, Amita, (2007), **Patterns, Processes of Reproduction, and Policy Imperatives for Poverty in Remote Rural Areas: A Case Study Southern Orissa in India**, A paper prepared for the international workshop "Understanding and addressing spatial poverty traps: an international workshop" 29 March 2007, Spier Estate, Stellenbosch, South Africa.
- Sharma, K.C., (2001), **Micro Financing through Self Help Groups**. Journal of Agricultural Economics, 56 (3): 460- 461.

- Sivachithappa, K., (2013), **Impact of Micro Finance on Income Generation and Livelihood of Members of Self Help Groups – A Case Study of Mandya District, India**, Social and Behavioral Sciences (228 – 240).
- Van Bastelaer, Thierry, (2000), **Imperfect Information, Social Capital and the Poor's Access to Credit**, University of Maryland, IRIS Working Paper No. 234.
- Von Pischke, J.D., (1991), **Finance at the Frontier - Debt Capacity and the Role of Credit in the Private Economy**, Economic Development Institute of the World Bank, Washington DC.
- Zeller, M., (2003), **Models of Rural Financial Institutions**. Paper Presented at Paving the Way Forward: An International Conference on Best Practices in Rural Finance, 2-4 June, Washington, DC.